

جنگ ها و فرهنگ ها

نویسندگان: یعقوب توکلی

منبع: زمانه ۱۳۸۶ شماره ۶۴

چکیده

هنوز اندکی از جنگ نگذشته بود که غم غربت آن در دل ها جوانه زد و به ویژه کسانی که جنگ را دیده یا احساس کرده بودند دچار حس نوستالژیک عجیبی نسبت به جبهه و جنگ شدند، همین سبب شد که خیلی زود به خاطره نگاشته های زمان جنگ توجه شود انتشار آن ها مدنظر قرار گیرد و به تدریج «تاریخ دفاع مقدس» در ابعاد گوناگونش ظهور پیدا کند. هرچند که نگاشته های تحقیقی، اسنادی، و داستانی هر کدام جایگاه مهمی را در ادبیات دفاع مقدس داشتند، «خاطره شفاهی» جایگاهی به مراتب گسترده تر و عمیق تر به دست آورد که در عین شایستگی، بایستگی هایی را هم به دنبال خواهد داشت. بنابراین، اکنون که خاطره شفاهی وجه غالب تولیدات ادبی و تاریخی دفاع مقدس را شامل شده است، روشمند ساختن و آسیب شناسی این حوزه نیز ضرورتی کاملاً واضح و آشکار خواهد بود. در مقاله زیر، انواع جنگ و انواع تاثیرات آن بر حوزه تاریخ و ادبیات جنگ بررسی شده است.

متن

تنارع بشر و موجودات زنده برای دستیابی به مواهب طبیعی، قدرت و سیطره بر یکدیگر، نوعی امر غریزی یا حداقل بخشی از احساس آن ها در بین موجودات است. همچنان که در بین احاد انسانی در گذشته منازعه بر سر دست یافتن به چراگاه ها و مراتع سبب می شد نزاع های خونینی بین آن ها درگیرد، کشمکش های خونینی نیز برای تسلط بر یک شهر یا کشور اتفاق می افتاد، ضمن آنکه جنگ های عقیدتی بر مبنای باورهای دینی نیز در طی تاریخ به وقوع پیوسته است. در تاریخ بشری، نبردهای خونین بسیاری برای به دست آوردن قدرت روی داده که معمولاً جز ارضای حس برتری طلبی و کسب غنائیم برای اشخاصی محدود و قدرتمندان حاکم، نفع دیگری برای دو طرف درگیر در آن نداشته است. اما این نبردهای برتری جویانه، سبب ظهور تخاصمات، تعارضات و کنش های جدیدی در اجتماع می شدند. مقابله و مدافعه نیروهای اجتماعی و مردمی که به آن ها تجاوز می شد، از انواع کنش های اجتماعی بود که به فراخور جوامع، نوع و میزان حساسیت های مردمی، و نیز میزان و زمان مقابله و مقاومت در برابر تجاوز، متفاوت بوده و هست. این ویژگی، الگوهای متفاوت و خاص هر اجتماع را به همراه دارد. بنابراین از

یک نگاه کلی، جنگ‌ها به لحاظ نوع رفتار انسان‌ها تقریباً با همان انگیزه‌های گذشته اتفاق می‌افتند و کشفیات و اختراعات جدید چون بمب هسته‌ای، تغییری در ماهیت واقعی نبردها ایجاد نکرده است.

پروفسور ویلیام آرکینز، عضو انستیتوی پژوهش سیاست خارجی امریکا، در این باره گفته است: «حقیقت ندارد که ظهور سلاح‌های هسته‌ای به تاریخ پنج‌هزارساله جنگ‌ها خاتمه داده و مبدأ تاریخی جدیدی را گشوده است. مبارزه برای کسب قدرت به مرحله دیگری رسیده، اما هنوز از همان ماهیت قبلی برخوردار است... این حقیقت مسلم است که بزرگ‌تر شدن خطرها به آنان که راه مبارزه با ادراک طرف مقابل و چگونگی استفاده از این‌گونه مخاطرات را می‌دانند و با آن ماهرانه برخورد می‌کنند، برتری استراتژیکی اعطا کرده است و آنچه را که جمود هسته‌ای (امتناع ناشی از بازدارندگی) می‌نامند نه استفاده از قدرت را ممنوع ساخته و نه اندرزه‌های استراتژی کلاسیک را بی‌اعتبار کرده است، بر عکس افزایش خردمندانه قدرت برای دستیابی به مقاصد سیاسی، اینک به ایفای همان نقشی که همواره به عهده داشته است ادامه می‌دهد.»

حقیقت آن است که تحولات و پیشرفت صنعت بشری در گستره آسیب‌های ناشی از نبردها بسیار مؤثر بوده است. چنانچه در جنگ‌های ادوار گذشته، تعداد تلفات نبردها «یک تا ده در هزار نفر بوده است. این نسبت در طی قرون به زیان کشته‌شدگان جنگ افزایش یافت و در جنگ جهانی دوم از هر دو سرباز شرکت‌کننده در جنگ، یک نفر کشته شد، ضمن آنکه دامنه جنگ به شهرها و مناطق مسکونی کشید و بسیاری از غیرنظامیان را به ورطه مرگ و نیستی انداخت. اگر در تاریخ‌های گذشته بشری، دو قدرت عمده امپراتوری روم و شاهنشاهی ایران با رودرو قرار دادن لشکرهاشان پیروز یا مغلوب جنگ را تعیین می‌کردند یا به واسطه نبرد یا وجود چند هماورد ویژه در میدان نبرد، فصل مخاصمات برای مدتی بسته می‌شد یا در دوره‌های تاریخی ایران پس از ورود اسلام، بعد از ده‌ها جنگ با ابعاد گسترده جغرافیایی، عده کشتگان دو طرف کمتر از دو هزار نفر بود، این واقعیت در دنیای جدید به طرز وحشتناکی تغییر یافته است.

به همین علت، آخرین جنگ‌های قرون معاصر به نمایی از کشتارهای دسته‌جمعی بدل شدند که با نبردهای گذشته و متعارف در عالم بشری بسیار متفاوت است. در نظریات جدید، جنگ را مبارزه‌ای مسلحانه بین کشورها می‌دانند که به قصد قبولاندن نظری سیاسی یا به منظور اعمال هدف‌های مشخص و با به کار بردن امکاناتی که در اختیار دارند، انجام می‌شود.

با افزایش قدرت و گستره ابزار جنگی، میزان آسیب‌های بشری نیز بیشتر شد. کوئینسی وایت در کتاب «علل جنگ و شرایط صلح» آورده است: «از آغاز قرن هفدهم، کشورهای اروپایی در آتش ۲۳۰۰ جنگ سوختند. برای نمونه، جنگ اول جهانی که ۱۵۶۵ روز طول کشید، چهارصد میلیارد دلار آن زمان خسارت و نه میلیون کشته و ۳۳ میلیون معلول و پنج میلیون مفقود به جا گذاشت و معلوم نیست این خسارات مادی، صرف‌نظر از خسارت معنوی، چه نتیجه‌ای برای بشریت داشته است.»

در آن زمان، کوئینسی وایت نمی‌دانست که انسان معاصر، اسیر جنگ بزرگ دیگری می‌شود که بیش از چهل میلیون کشته و چندین میلیون آواره، معلول، پناهنده و بیمار روحی بر جای خواهد گذاشت و بر اثر این جنگ، جامعه بشری تمدن اضطراب و دوره وحشت را شاهد می‌گردد.

جنگ‌ها، بر حسب نوع و چگونگی آغاز و حوزه جغرافیایی، به دو نوع عمده تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از جنگ‌های خارجی و داخلی.

الف) جنگ‌های خارجی

جنگ‌های خارجی به جنگی گفته می‌شود که بین دو یا چند کشور یا دو یا چند قوم، که سابقه وحدت سیاسی و جغرافیایی میان آنان وجود ندارد، درمی‌گیرد. این جنگ‌ها نیز به دو گروه عمده جنگ‌های تهاجمی و جنگ‌های تدافعی تقسیم می‌شوند.

از بازخوردهای مهم جنگ تهاجمی منتهی به شکست، شکل‌گیری انقلاب‌های سیاسی در داخل کشور است. نظریه‌های مختلفی درباره وقوع انقلاب بعد از شکست دولت در نبرد خارجی مطرح شده که اغلب آنان بر تکرر و تواتر حوادث مشابه در جوامع تأکید کرده است. بر اساس نظریه چارلز تیلی^۲ و دانشمندانی چون چالمرز جانسون، گور، اسکاچ پل و... یکی از عوامل مؤثر در سقوط یک نظام، شکست ارتش و نیروی نظامی آن در جنگ است؛ همچنان که در پی شکست ارتش روسیه از ژاپن، رژیم تزار در معرض انقلاب قرار گرفت و در نهایت، سرنگون شد، و امپراتوری عثمانی در پی حضور و شرکت در جنگ جهانی اول و هزیمت در این جنگ از هم پاشید و بلوک‌های مختلف آن هر یک استقلال پیدا کردند. همچنین به دنبال فروپاشی حکومت سلطنتی چین در پی شکست از ژاپن، نیروهای پیروز در جنگ، دولت‌های جدید «چیان کای چک» را در تایوان، و مائو را در چین تشکیل دادند.

جنگ‌های تهاجمی باعث شکل‌گیری ادبیات و هنر ضدجنگ نیز می‌گردد. همان‌طور که ذکر گردید، از نتایج جنگ‌های تهاجمی، شکل‌گیری مخالفت‌های داخلی است؛ زیرا آنانی که در معرض جنگ و مخاطرات آن قرار می‌گیرند معمولاً نه اراده‌کنندگان جنگ، بلکه مردم عادی‌اند که به اجبار به مسلخ اراده سیاستمداران و نظامیان برده می‌شوند. آنان باید کسانی را بکشند و غارت کنند که هیچ شناخت یا خصومتی از آنان در دل ندارند؛ جنایتی که برای تصاحب سرزمین‌های دیگر، فضای باز بیشتر برای تنفس (همانند آلمان‌ها)، اثبات برتری عزم و اراده سیاسی سیاستمداران، کسب غنائم و به دست آوردن فرصت‌های بهتر برای حیات هم‌وطنان، البته به قیمت نیستی مردمی که به آنان هجوم می‌برند، انجام می‌شود. طبیعی است در میان ادبیات و هنر برتری‌جویانه و حماسه‌ورزانه معطوف به نگاه قدرتمندان حاکم، جمع بسیاری از وجدان‌های بیدار و منزجر از تهاجم و جنایت از چنین نیروهایی با تلخ‌کامی یاد می‌کنند.

ادبیات و هنر ضدجنگ در جوامع مهاجم سبب می‌شود که فرماندهان جنگ به اسطوره‌های مردمی تبدیل نشوند. ادبیات ضدجنگ در آلمان و اروپا از هیتلر چهره‌ای افتخارآمیز نساخت. در فرانسه و به طور کلی اروپا، اگرچه عده‌ای ناپلئون را به خاطر نبوغ و استعداد نظامی‌اش می‌ستایند، بسیاری نیز به علت جنگ‌های تهاجمی و تجاوز کارانه، وی را محکوم می‌کنند، همچنان که در ایران، بسیاری نادرشاه را به خاطر حمله به هندوستان مستحق نکوهش می‌دانند.

این در حالی است که جنگ‌های دفاعی در تمام مکاتب الهی و مادی و فرهنگ‌های بشری تقدیس شده است و شخصیت‌های مدافع و فداکار در آثار تاریخی، فرهنگی و هنری کشورها، جایگاه والایی داشته‌اند و آن‌قدر که آن‌ها در شکل‌گیری حماسه‌های ماندگار و شخصیت‌های اسطوره‌ای مؤثر بوده‌اند هیچ‌کس دیگری اثرگذار نبوده است. رستم داستان، آرش کمانگیر، آریو برزن، جلال‌الدین خوارزمشاه، شیخ حسن جوری، امام‌قلی خان، عباس‌میرزا، رئیس‌علی دلواری، مصطفی چمران، علی اکبر شیرودی، صیاد شیرازی، حسین فهمیده و... گزیده‌ای از چهره‌های مدافع و فداکار در تاریخ ملت ایران هستند که در کنار بسیاری از دیگر اسطوره‌های شهادت و فداکاری، ماندگار شده‌اند.

نبردهای تدافعی از حیث تأثیرگذاری به دو دسته عمده پیروز و شکست خورده تقسیم می‌شوند.

وقوع نبردهای تدافعی هم زمینه‌ای می‌شود برای تجلی فرهنگ مقاومت و نبرد آزادی‌خواهانه. اگر تاریخ فرهنگی مقاومت دفاعی کشورها مرور شود اشتراکاتی جدی در آن‌ها مشاهده خواهد شد که عبارت‌اند از: توضیح و تبیین فرهنگ، استراتژی، تاکتیک مقاومت و دفاع، و ترجمه و انتقال این فرهنگ و استراتژی به کشورهای دارای وضعیت مشابه. مثلاً الگوی نبرد و مبارزه روس‌ها در استالینگراد را ویتنامی‌ها در جنگ با فرانسویان به کار گرفتند که در آثار هنری و مکتوب نیز منعکس شد. الجزایر هم از اصول و شیوه‌های مبارزه ویتنامی‌ها در نبرد با فرانسوی‌ها استفاده کرد. همین اصول در ایران نیز پس از مداخله و نفوذ آمریکا در کشور به کار گرفته شد. ترجمه و استفاده از آثار ژنرال جی‌آپ، فرمانده ارشد ویت‌کونگ‌ها، و دستورالعمل و آثار هوشی مینه، رئیس‌جمهور ویتنام، در ایران در میان گروه‌های چپ‌گرا و اسلام‌گرا در قبل و بعد از پیروزی انقلاب شایان توجه است. شاید جالب‌ترین نمونه این موارد، ترجمه دستورالعمل‌های هوشی مینه درباره اصول جنگ چریکی در مجله پیام انقلاب سپاه پاسداران در سال‌های دفاع مقدس باشد. همچنین از آثار فرانسیس فانون، انقلابی سیاه‌پوست فرانسوی که در خدمت گروه‌های مبارز الجزایری بوده است، نیز در ایران استفاده کردند. در کنار این موارد، از آثار هنری همچون نقاشی و مجسمه‌سازی برای انعکاس جانبازی‌های فردی در روسیه، کره و دیگر کشورهایی که در مقابل تجاوز مقاومت کرده‌اند استفاده شده است. مقاومت‌های پیروز، همیشه الهام‌بخش مقاومت‌های در حال جریان بوده‌اند؛ همچنان که مقاومت ویتنامی‌ها در برابر آمریکا برای مردم بسیاری از کشورها از جمله ایران الهام‌بخش بود. مقاومت لبنان، هم اینک الهام‌بخش و فرهنگ‌ساز نبرد تدافعی با اشغالگران است. از پیامدهای مهم نبردهای تدافعی پیروز، افزایش توان بازدارندگی در عرصه منازعات خارجی و ایجاد قدرت اجتماعی به علت هماهنگی اجتماعی است. کشورهایی که در نبرد تدافعی به پیروزی دست یافته‌اند بسیار دیرتر از دوره‌هایی که شکست می‌خوردند مورد تجاوز مجدد

همان دشمن خارجی قرار می‌گیرند؛ چنان‌که پیروزی شاه عباس اول در نبرد با پرتغالیان، آنان را برای همیشه از منطقه خلیج فارس راند و پیروزی در نبرد علیه عثمانی‌ها و ازبک‌ها، سالیان طولانی سرحدات غربی و شرقی کشور ایران را امنیت بخشید. همچنین پیروزی نادرقلی‌میرزا در نبرد علیه متجاوزان خارجی از جمله دولت نیرومند عثمانی سبب شد روس‌ها که به مناطقی از ایران تهاجم کرده بودند، عقب‌نشینی و از عملکرد خود عذرخواهی کنند. پیروزی در نبردهای دفاعی باعث شکل‌گیری ساختارهای سازمانی مقاومت در کشور می‌شود. مادام که این ساختار وجود داشته باشد، دوره بازدارندگی استمرار خواهد یافت؛ چنان‌که سازمان مردمی نیروهای حامیان فداکار انقلاب در دفاع مقدس با فرهنگ ایثارگری و شهادت شکل گرفت و تغییری عمده در الگو و استراتژی نبرد و مقاومت مردمی ایجاد کرد.

از جمله تأثیرات نبردهای تدافعی پیروز، زمینه‌سازی برای خلق آثار هنری بسیار در این زمینه است. هیجان به‌وجودآمده از پیروزی‌ها در نبرد و مقاومت نیروهای مدافع، احساس بسیاری از مردم را برمی‌انگیزد که به نوعی مقاومت و پیروزی را ستایش کنند و یاد آن‌ها را محفوظ بدارند. بسیاری از این آثار بر اثر شور و حماسه خلق و در مواردی نیز با حمایت دولت‌ها و شخصیت‌ها، هدایت می‌شود.

البته ممکن است مقاومت یک ملت یا مدافعان به علت اندک بودن مبارزان و تجهیزات به شکست منتهی شود و مدافعان، به‌رغم مقاومت جدی در برابر تهاجم، کشته شوند. چنین نبردهایی در عین پذیرش شکست زمینه حماسه‌سازی در جامعه را فراهم می‌آورد که اتفاقاً زاینده روحیه دفاع و مقاومت است. شکست ایرانیان عصر شاه اسماعیل صفوی در نبرد چالدران در برابر عثمانی‌های مهاجم، مقاومت لطفعلی‌خان زند، مقاومت تنگستانی‌ها و رئیسعلی دلواری در نبرد با انگلیسی‌ها، شکست میرزا کوچک خان جنگلی در برابر انگلیسی‌ها و قزاق‌ها، و مقاومت مردم، پاسداران و بسیجیان در خرمشهر و شهادت سید حسین علم‌الهدی و یارانش در هویزه در جنگ عراق علیه ایران از آن جمله‌اند.

این دسته از مقاومت‌های شکست‌خورده، نوعی حماسه‌اند. عالی‌ترین نمونه مقاومت درهم‌شکسته‌شده که سبب مقاومت‌های بسیار و ایجاد فرهنگی خاص شد، حماسه عاشورا است که حضرت سیدالشهدا(ع)، به‌رغم شکست در نبرد نظامی و شهادت، سیر حرکت تاریخ را تغییر داد.

گاهی شکست در دفاع، به علت تعلل، کوتاهی در ادای وظیفه و فداکاری، نافرمانی از فرمانده و مهم‌تر از همه ترس روی می‌دهد. این نوع شکست تأثیرات منفی و تلخی را بر یک کشور یا قوم می‌گذارد. بر اثر شکست مقهورانه در برابر تهاجم، روحیه عمومی یک قوم یا کشور در هم می‌ریزد و آشفتگی و نابسامانی در آن کشور پدیدار می‌شود که ممکن است به پیدایی نوعی رکود ادبی و هنری ناشی از سرخوردگی، یا پیدایش ادبیات سیاه منجر شود. بی‌سبب نیست که حضرت امیرالمومنین(ع) در مراحل آغازین جنگ صفین (بعد از اینکه سپاه معاویه فرات را تصرف کرد) فرمود: «شمشیرهایتان را از خون دشمن سیراب کنید تا خود سیراب شوید. مرگ در زندگی شکست‌خوردگان و ترسندگان است و زندگی در مرگ پیروزمندان و ترسانندگان.» مهم‌تر اینکه بر اثر شکست در

نبرد، تلاش برای از بین بردن آثار شکست به طور جدی آغاز، و خود به بحران‌ها، تنش‌ها و بعضاً شورش‌ها و جنگ‌های داخلی خونین دیگر منتهی می‌شود، ضمن آنکه روحیه نبرد و مقاومت در یک کشور از بین می‌رود و زمینه برای تهاجم جدید فراهم می‌آید.

ناکامی سپاهیان حضرت علی(ع) در نبرد صفین که به خاطر نافرمانی از دستورات امام علی(ع) به وقوع پیوست، بحران در سپاه امام و ظهور خوارج با فرهنگ، آداب و ستیزه‌جویی‌های خاص را در پی داشت که در نهایت، به آشوب در خلافت اسلامی و وقوع جنگ نهروان منتهی گردید. در پی آن جنگ نیز نه تنها ستیزه‌جویی‌ها خاتمه نیافت، بلکه به ترور و شهادت امام(ع) انجامید و مشکلات فراوانی برای خلافت اسلامی به وجود آمد. نافرمانی و نبود حس فداکاری در سربازان امام حسن مجتبی(ع) در نبرد با معاویه و استحاله خلافت اسلامی، حاکم شدن روحیه ضعف، سستی، فتور و ذلت بر مسلمانان نیز پیامد همین شکست بود. همچنین زمینه گسترش تجاوز امویان به صورت بسیار گسترده‌تر فراهم شد، ادبیات دینی حاکم فروریخت و ادبیات ضد اسلامی اموی حاکم شد، و امام حسن(ع) را ترور کردند. وضع به گونه‌ای بود که برای تغییر وضعیت آشفته سرزمین اسلامی، راهی جز قیام و مقاومت سرسختانه عاشورایی باقی نمانده بود. اولین شکست ایران از روسیه تزاری نیز بر نوع کنش فرهنگی و ادبیات ملی تأثیر گذاشت و نوعی سرخوردگی ملی را در همه زمینه‌ها رقم زد؛ چنان‌که ملا احمد نراقی، نومیدانه از میدان نبرد به کاشان رفت و در آنجا کتاب «عوایدالایام» را نوشت که هدف از آن نجات کشور از شرایط موجود و تغییر حاکمیت پادشاهان جاهل و بی‌سواد و بدون تعهد بود. او در این کتاب با استناد به منابع دینی، نظریه ولایت فقیه را مطرح کرد. شکست‌های پیاپی ایرانیان، متفکران ایرانی را به فکر خروج از شرایط پیچیده اجتماعی انداخت. افرادی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی و مراجعی مانند میرزای شیرازی نیز برای اصلاح امور، راه بازگشت به اسلام و وحدت مسلمانان را پی گرفتند.

در طول دوره‌های افول ایران در صحنه جهانی و هجمه‌های همه‌جانبه استعمارگران به ایران، می‌بینیم که در میان نظامیان، علما، روشنفکران و عشایر، رگه سازمان‌یافته مقاومت وجود نداشت و در این دوره هیچ فرهنگ مقاومتی شکل نگرفت. جمعی از ایرانیان برای اثبات خود به گذشته‌های دور و باستانی پناه بردند یا اینکه در حسرت وجود یک رستم و در غم سهراب گریستند و فقط شاهد قطعه‌قطعه شدن ایران بودند.

ب) جنگ‌های داخلی

جنگ‌های داخلی به نبردهایی گفته می‌شود که بین مردم یک حوزه جغرافیایی واحد به وقوع می‌پیوندد و البته ممکن است که این مردم با همدیگر وحدت عقیدتی مشترک داشته یا به لحاظ عقیدتی دچار تعارض باشند. در صورت وحدت عقیدتی مشترک، نبرد بر سر منافع و مطامع و نوع تقسیم مواهب خواهد بود؛ نظیر جنگ جمل که میان اصحاب امیرالمومنین(ع) و یاران گذشته‌اش اتفاق افتاد. گاهی هم برداشت‌های مختلف از یک واقعه و عقیده به نبرد منجر می‌شود؛ نظیر جنگ با خوارج.

شکل و سبک جنگ‌های داخلی به نوع و میزان نیروهای درگیر در نبرد وابسته است. چنانچه نیروهای مخالف با حاکمیت مرکزی به شورش دست بزنند، نوعی جنگ داخلی میان حکومت و بخش‌هایی از مردم به وجود می‌آید که به قصد شورش یا اصلاح به راه افتاده است.

جنگ‌های داخلی ایرانیان با مغولان، قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی علیه قرارداد ۱۹۱۹، جنگ داخلی کوبا به رهبری فیدل کاسترو ضد ژنرال باتیستا، و نبرد چریک‌های السالوادور علیه حاکمیت مرکزی نمونه‌هایی از این دست می‌باشند. گاهی جنگ‌های داخلی با هدف تجزیه از دولت مرکزی انجام می‌شود که با نوعی ادبیات و تمایلات جدایی‌طلبانه همراه است. البته این تجزیه‌خواهی دو شکل متفاوت دارد: نخست آنکه سرزمینی به اشغال دولت اشغالگری درآید و جزء قلمرو آن شود. این نوع نبردها، عموماً به شکل شورش هستند. نبرد چریک‌های الجزایر با دولت فرانسه، مبارزه هندی‌ها با دولت انگلستان و ارتش جمهوری‌خواه ایرلند با دولت انگلیس، جنگ داخلی در انقلاب اول کوبا علیه اسپانیا و نبردهای چریک‌های سوآپو و کنگره ملی خلق افریقای جنوبی با دولت افریقای جنوبی و نبردهای مردم جنوب لبنان، و فلسطینیان با اشغالگران اسرائیلی از این نوع می‌باشند. این دسته از نبردهای داخلی عموماً مقاومت نامیده می‌شود که سازنده و خالق آرزوها و آمال ملت‌هاست. اما گاهی نبردها به قصد سرکوب کردن گروه‌های رقیب برای تصاحب سهم بیشتر از قدرت روی می‌دهد. برخلاف نبردهای مقاومت، که بسیار مقدس جلوه می‌کنند، این نبردها بسیار تلخ و تبعات سوء اجتماعی دارند.

البته گاهی این نبردها، نبردهای وحدت‌بخش است؛ جنگ‌هایی که به قصد گردآوردن کانون‌های مختلف گریز از مرکز تحت حاکمیت دولت مرکزی انجام می‌شود. این نبردها، صرف‌نظر از شکل، وحدت‌بخشی جغرافیایی را حفظ می‌کنند و تشکیل دولت مرکزی و هویت ملی را فراهم می‌سازند. در تاریخ ایران، یکی از این نبردهای مشهور که مورد بی‌مهری عموم ایرانیان قرار گرفته است، نبردهای شاه اسماعیل صفوی برای ایجاد وحدت ملی در کشور و تبدیل آن از ملوک‌الطوایفی به وضعیت ملت — کشور و حاکمیت واحد است و این تا حدود زیادی هم‌زمان با وحدت‌یابی واحدهای کوچک سیاسی در اروپا و همچنین شکل‌گیری امپراتوری عثمانی است.

جنگ‌های داخلی امریکا میان شمال و جنوب، از دیگر جنگ‌های وحدت‌بخشی بود که توانست یک دولت یکپارچه مرکزی را سامان دهد. از یک دیدگاه، جنگ ویتنام نیز تلاش برای بازگشت وحدت ملی به کشور بود؛ زیرا با پیروزی چریک‌های ویت‌کونگ و دولت ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی دوباره به خاک اصلی بازگشت. این اتفاق در جنگ دو کره نتوانست به وحدت آن‌ها بینجامد.

خلاصه اینکه هر شکل از نبردهای داخلی ممکن است در نزد پاره‌ای از ملت‌ها مقدس و مورد احترام باشد و در نزد عده‌ای دیگر مورد تنفر و بغض. نبرد ایران در جنگ چالدران و تلاش فداکارانه شاه اسماعیل برای بازگشت قطعه‌ای از کشور با شکست همراه شد، اما هیچ‌کس در تاریخ ایران، شاه اسماعیل را به خاطر شکست سرزنش نکرد، هرچند که نبرد در سمت اردوی مقابل به عنوان پیروزی بزرگ برای آنان مورد افتخار و ستایش قرار گرفت.

باید توجه کرد که وجدان عمومی ملت‌ها و تاریخ معمولاً در تمییز دادن قدرت‌خواهان، تجزیه‌جویان و استیلاطلبان از علاقه‌مندان به مردم میهن و آیین، کمتر دچار اشتباه می‌شود و هیچ‌گاه ادبیات ستایش از قهرمانان نبردهای تجاوزکارانه، جز در میان طرفداران ویژه آن‌ها، در میان سایر ملت‌ها شکل و صورت واقعی نخواهد یافت.

تأثیر دفاع مقدس بر ادبیات تاریخی ایران

تردیدی وجود ندارد که دو پدیده تقریباً هم‌زمان انقلاب اسلامی و دفاع طولانی‌مدت مردم ایران در دو جنگ داخلی و خارجی زمینه را برای ظهور ادبیات نوینی در تاریخ ایران فراهم آورد.

یکی از موضوعات مشکلی که در بحث تاریخ‌نگاری ایران معاصر بعد از انقلاب اسلامی وجود دارد این واقعیت است که مرز تمییز بین تاریخ انقلاب و جنگ چندان از یکدیگر تفکیک‌پذیر نیست، با وجود این مقوله دفاع مقدس رویدادی متفاوت در تاریخ ایران بوده است و این واقعه گرانقدر تاریخی در قالب یک «نبرد دفاعی پیروز» تجلی کرده است و همان‌طور که آورده‌ایم، نبرد دفاعی پیروز سبب ایجاد ادبیات حماسه‌ای و گسترش ادبیات مقاومت می‌شود؛ همچنان که پیروزی انقلاب اسلامی نیز در ایجاد این گونه از ادبیات مؤثر بوده است. به همین خاطر در اکثر مراکز تاریخ‌نگاری معاصر و نیز بسیاری از محققان و نویسندگان معاصر نیز در میانه دو تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در حال دوران هستند و علت را آن می‌دانند که بین انقلاب و دفاع مقدس چندان مرز تفکیک‌پذیری قایل نیستند و در اکثر مراکز تاریخ‌نگاری نیز همیشه در کنار ادبیات دفاع مقدس، ادبیات انقلاب مطرح بوده است. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و هنر مقاومت حوزه هنری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران و بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس با دو رویکرد انقلاب و دفاع مقدس، مراکز جدی مورد توجه در تقریب بین ادبیات دفاع مقدس و انقلاب اسلامی هستند و از این مهم‌تر نویسندگان گوناگون و فراوانی هستند که هنوز نتوانسته‌اند خود را در یکسوسازی جهت تحقیقی خویش قانع سازند؛ چراکه قانع ساختن خود به تفکیک این دو حوزه بسیار مهم و باوجود پیوستگی‌های بسیار، صعب و تقریباً بعید است؛ زیرا بستری که بر آن ادبیات انقلاب رشد کرد عیناً همان بستر نظری و اجتماعی است که در آن ادبیات دفاع مقدس رویده است.

با این حال پاره‌ای فاصله‌های جدی میان ادبیات انقلاب و ادبیات دفاع مقدس وجود دارد که می‌تواند هر کدام از این ادبیات را از یکدیگر جدا سازد، اما حد وسط در حداکثر پیوستگی و همبستگی ذهنی نظری، پژوهشی و نگارشی است.

تردیدی نیست که دفاع مقدس مردم مسلمان ایران توانست یکی از پدیده‌های شگرف عصر حاضر را رقم زند و همین امر با توجه به ماهیت «جنگ دفاعی پیروز» بودن آن بر فرایند ادبیات تاریخی تأثیر عمیقی گذاشته است.

ادبیات تاریخی شکل گرفته در بعد از دفاع مقدس شامل اشکال ذیل است: ۱- ادبیات تاریخی پژوهشی و تحلیلی؛ ۲- ادبیات تاریخی اسنادی؛ ۳- ادبیات تاریخی داستانی؛ ۴- ادبیات تاریخی نقلی.

ادبیات تاریخی پژوهشی و تحلیلی:

ادبیات پژوهشی و تحلیلی به ادبیاتی گفته می‌شود که به دنبال پاسخگویی به چرایی و چگونگی وقایع حادث‌شده در دفاع مقدس است و تجزیه و تحلیل علّی و معلولی حوادث را مدنظر دارد و در ساختار مباحث خویش، علل شکل‌گیری حوادث را بیان می‌کند. اساس این ادبیات، که در مراکز دانشگاهی به عنوان آثار علمی شناخته می‌شود، ارائه فرضیه و اثبات آن براساس داده‌های نظری و عینی موجود است.

در ادبیات پژوهشی، نمونه‌های بسیاری به منصفه پژوهش درآمد که مرکز تحقیقات جنگ گسترده‌ترین شکل آن را سامان داد. در این حوزه، آثار پژوهشی متعددی به انتشار درآمد که از آن میان می‌توان به کتاب «از خونین‌شهر تا خرمشهر»^[۱] اشاره کرد. بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس نیز در این حوزه فعالیت‌های بسیاری انجام داده است. دیگر مؤسسات پژوهشی و اشخاص حقیقی نیز در حوزه یادشده فعال بوده‌اند. «جغرافیای دفاع مقدس»^[۲] «ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق»^[۳] «تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران»^[۴] «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی»^[۵] و «تجاوز عراق به ایران و موضع‌گیری‌های سازمان ملل»^[۶] از جمله این آثار است. همچنین آثار دایره‌المعارفی پژوهشی نیز توسط بنیاد حفظ آثار تهیه و چاپ شده است دایره‌المعارف جغرافیا،^[۷] دایره‌المعارف حقوقی (در حال چاپ)، و دایره‌المعارف شهدا از این دسته هستند.

ادبیات تاریخی اسنادی:

در کنار ادبیات پژوهشی، ادبیات تاریخی اسنادی ادبیات بسیار در خور توجهی می‌باشند. ادبیات تاریخی اسنادی به ادبیاتی گفته می‌شود که در آن عمده مباحث براساس اسناد سامان می‌یابد و سند در آن حرف اول را می‌زند. بنابراین نویسندگان در این حوزه چندان در قید فرضیه و نظریه نیست، بلکه درصدد است با ارائه سند، مسأله جدیدی را روشن‌تر نماید، یا ذهنیتی را که از گذشته وجود داشت تصحیح نماید، تغییر دهد، یا بر آن تأکید نماید. با اینکه در این دسته از ادبیات هنوز در آغاز راه هستیم، جریان انتشار اسناد درخصوص دفاع مقدس در حال شکل‌گیری است.

کتاب «خرمشهر در اسارت»^[۸] از جمله آثاری است که از اسناد برجای‌مانده در خرمشهر نوشته شده است. «اسناد افتخار» مجموعه نامه‌های مبادله‌شده فی‌مابین رئیس‌جمهور وقت ایران، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، و صدام حسین، رئیس‌جمهور متجاوز عراق، درخصوص مذاکرات صلح می‌باشد.

در حال حاضر هنوز سازمان‌ها و مؤسسات در این خصوص تردیدهای اساسی دارند و زمان را برای انتشار اسناد مناسب نمی‌بینند، و چنانچه کتاب‌های اسنادی در پاره‌ای از مؤسسات منتشر می‌شود، با نهایت احتیاط تاریخی و نظامی همراه می‌باشد.

ادبیات تاریخی داستانی:

یکی دیگر از وجوه ادبیات تاریخی معاصر، ادبیات داستانی آن می‌باشد. این ادبیات، که از پیشگامی جدی‌تری برخوردار است، در اشکال مختلف در حوزه‌های دفاع مقدس و شهادت نگارش یافته و مجموعه‌ای گسترده از ذهنیت تاریخی معاصر ایران در خصوص تاریخ دفاع مقدس را ادبیات شکل داده است.

ادبیات تاریخی داستانی به ادبیاتی گفته می‌شود که ذهنیت تاریخی براساس فرآیند داستانی شکل می‌گیرد و در این ادبیات، نویسندگان فارغ از چارچوب‌ها و مضیق‌های ادبیات تاریخی در خصوص استناد، منابع، فرضیه و نظریه، چه در سطح تحلیل و چه در سطح نقل، با استفاده از فرآیند داستان‌نویسی، دیدگاه و منظر تاریخی را پردازش می‌کند. در چنین فرآیندی، آزادی عمل نویسنده در پردازش داستان و بهره‌گیری از واژه‌ها، به انتقال سریع‌تر مفاهیم منتهی می‌شود.

با وجود تأثیرگذاری بسیار زیاد ادبیات داستانی، به دلیل فرآیند داستان‌نویسی و فقدان ضرورت استناد و واقعی بودن حوادث، قضایا و شخصیت‌ها، نمی‌توان به آن استناد تاریخی نمود، اما برای انتقال احساس همبستگی و هویت ملی و فداکاری در عرصه دفاع مقدس بسیار در خور ارزش و اعتبار است.

ادبیات تاریخی نقلی:

در ادبیات تاریخی نقلی در ایران معاصر پیوستگی شدیدی میان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس وجود دارد. در این میان چندین شکل اساسی از تاریخ نقلی در ایران شکل گرفته است. بازشناسی تاریخ نقلی در ویژگی و ساختار آن است. تاریخ نقلی یکی از شیوه‌های معمول و پذیرفته نقل و انتقال مفاهیم مربوط به حوادث و وقایع است و در چند شکل عمومی متصور است که از آن می‌توان به چهار مورد ذیل اشاره کرد: ۱- تاریخ نقلی گزارش‌نویسی؛ ۲- تاریخ نقلی روزشمار؛ ۳- تاریخ نقلی شخصیت‌شناسی؛ ۴- ادبیات خاطره‌ای.

۱- تاریخ نقلی گزارش‌نویسی: در میان منابع و آثار منتشرشده، تعداد بسیاری از آن‌ها به شکل گزارش‌نویسی وقایع تحریر یافته است. در آثار و منابع قدما می‌توان به تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی اشاره کرد، البته متون مفصل و با گذشت قرون متمادی از وقوع حوادث شکل گرفته‌اند و بعضاً موضوعی نیز تقسیم شده‌اند، مثلاً المغازی واقدی و وقفه‌الصفین نصر بن مزاحم کوفی یا مقاتل مختلف درباره حوادث نظامی از نمونه‌های تاریخ

نقلی گزارش‌نویسی است. آثار و منابعی که درخصوص دفاع مقدس نوشته شده‌اند؛ نظیر «تاریخ دفاع مقدس»^[۹] گزارش عملیات‌های دفاع مقدس، فتح فاو،^[۱۰] عملیات بیت‌المقدس، عملیات فتح‌المبین، «نبردهای شرق کارون»^[۱۱] ... ، آثاری هستند که درخصوص حوادث جنگ به صورت گزارش‌نویسی به نگارش درآمده‌اند.

۲- تاریخ نقلی روزشمار: یکی دیگر از شیوه‌های تاریخ نقلی، تاریخ نوشت براساس وقایع روزانه است. این شیوه طی سال‌های اخیر بیشتر شکل گرفته است و البته نمونه تاریخی آن را می‌توان در یادداشت‌های روزانه اعتمادالسلطنه و سفرنامه‌های مختلف دید. در دوره معاصر جنگ تحمیلی، می‌توان به کتاب «روزشمار جنگ تحمیلی» نوشته مرکز تحقیقات جنگ به عنوان نمونه بارز آن اشاره کرد که در مجموعه‌ای از آثار مختلف و با تنوع و حجم گسترده تهیه و چاپ شده است. این آثار در نوع خود از آثار کم‌نظیر روزشمار به شمار می‌رود. ممکن است گستردگی این نوع آثار سبب کاهش توزیع آن‌ها شود و قدرت دسترسی و خرید را کاهش دهد، اما یکی از منابع مناسب برای پژوهش و نگارش در این زمینه می‌باشد که محصول سالیان طولانی پژوهش تاریخی در حوزه تاریخ دفاع مقدس است.

۳- تاریخ نقلی شخصیت‌شناسی: یکی دیگر از شیوه‌های تاریخ نقلی، شخصیت‌شناسی دفاع مقدس است. ویژگی این آثار تمرکز بر زندگی شخصیت مدنظر در نگارش است. این شیوه به عنوان ترجمه‌نویسی و تراجم‌الرجال مشهور است و در تاریخ آثار و منابع بسیاری را می‌توان جستجو کرد که با این اسلوب نگاشته شده است. اسدالفابہ اثری با نگرش اموی، و «اعیان الشیعه»^[۱۲] تاریخی مبسوط از شخصیت‌های شیعی، از نمونه‌های در خور این سبک هستند، ضمن اینکه تک‌نگاری‌ها راجع به شخصیت‌ها در طی تاریخ نگارش متون تاریخی همیشه مدنظر بوده است.

آثار مختلفی درباره شهیدان دفاع مقدس در ایران به چاپ رسیده است که این آثار ترکیبی متفاوت از داستان، خاطره، پژوهش و اسناد را در بر دارد. شخصیت‌شناسی و معرفی نحوه زندگی شهدای این جنگ از جمله حوزه‌های بسیار جدی برجای‌مانده از «دفاع پیروز ملت ایران» می‌باشد که آثار بی‌شماری را به دنبال داشته است: از جمله «فرهنگنامه جاودانه‌های تاریخ»^[۱۳] ویژه هفت استان آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، زنجان، مازندران، گیلان و گلستان، از صاحب این قلم، درباره فرماندهان شهید استان‌های یادشده، «ستاره بدر»^[۱۴] «مجموعه آثار کنگره شهدای کرمان و سیستان و بلوچستان، آذربایجان و اصفهان و تهران». آثار مختلف بنیاد شهید انقلاب اسلامی و بنیاد حفظ آثار و مرکز اسناد انقلاب اسلامی و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی در این باره فراوان است. با این حال به نظر می‌رسد زمینه‌های توزیعی بسیاری وجود دارد که هنوز به آن‌ها توجه نشده است. به طور نمونه مجموعه هفت جلدی درباره شهدای فرمانده هفت استان صاحب این قلم را که بنیاد شهید انقلاب اسلامی به چاپ رسانده تاکنون حتی به بسیاری از بنیاد شهیدهای شهرستان‌های استان‌های یادشده نرسیده است و خانواده‌های شهدا نیز، به‌رغم همکاری گسترده‌شان، هنوز از این آثار اطلاع ندارند. به همین صورت آثار دیگر عزیزان نویسنده نیز ممکن است در سطح شهر تهران باقی بماند و توزیع‌شان، منتشر و البته نایاب گردد.

۴- ادبیات خاطره‌ای: یکی دیگر از وجوه بسیار مهم انقلاب و دفاع مقدس در حوزه تاریخ نقلی ادبیات خاطره‌ای است.

ادبیات خاطره‌ای به چند گونه اساسی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: ۱- ادبیات خاطره‌ای یادداشت روزانه؛ ۲- ادبیات خاطره‌ای نوشتاری؛ ۳- ادبیات خاطره‌ای شفاهی.

۱- ۴- ادبیات خاطره‌ای یادداشت روزانه: در ادبیات خاطره‌ای یادداشت روزانه، نویسنده به روز حوادث واقع شده پیرامون خود را می‌نویسد و این یادداشت‌های روزانه معمولاً بدون توجه به حوادث آینده و تفسیر نقش‌ها نوشته می‌شود و نویسنده، هرچند که به ثبت نقش خویش در تاریخ‌نگاری توجه نماید، به صورت‌های مختلف خود را بروز خواهد داد. و واقعیت‌های بسیار را گویا خواهد شد.

در ادبیات تاریخی انقلاب اسلامی، «یادداشت‌های امیراسداله علم» یکی از این منابع مهم است و در ادبیات مقارن جنگ و انقلاب، «یادداشت‌های روزانه آقای هاشمی رفسنجانی» در این خصوص بسیار در خور توجه است. از اولین آثار یادداشت روزانه منتشرشده درباره دوران دفاع مقدس می‌توان به «یادداشت‌های سوسنگرد»^[۱۵] شهید رضا صادق‌زاده و همچنین «حرمان هور»^[۱۶] یادداشت‌های شهید احمد رضا احدی توجه کرد.

۲- ۴- ادبیات خاطره‌ای نوشتاری: ادبیات خاطره‌ای نوشتاری عمدتاً شامل ادبیاتی می‌شود که نویسنده، پس از وقوع حوادث و تغییر نقش‌های سیاسی و اجتماعی، نقش خود را در حوادث بیان می‌کند.

گاهی بخشی از حافظه تاریخی نویسنده و خاطره‌پرداز به صورت خاطرات بیان می‌شود. خاطره‌نویسته از تاریخ هم‌عصر آن زمان نیز جدا نیست و نویسنده با نگارش آن می‌خواهد خود را با ارزش‌های زمانه جدید خویش هماهنگ سازد. «امیدها و ناامیدی‌های» کریم سنجابی، «پس از سقوط» احمدعلی مسعود انصاری نمونه‌هایی از این دست می‌باشد.

۳- ۴- ادبیات خاطره‌ای شفاهی: به آن دسته از خاطراتی گفته می‌شود که خاطره‌گو زبان دارد، اما توان یا امکان نوشتن ندارد، از این رو به صورت شفاهی حوادث را توضیح می‌دهد، و سند آن، نوار گفت‌وگو است که مؤسسات تاریخ شفاهی یا مصاحبه‌گر آن را به صورت نوشتاری درمی‌آورند و برای چاپ آماده می‌سازند. ادبیات خاطره‌ای شفاهی به چند نوع تقسیم می‌شود که عبارت است از:

الف) خاطره شفاهی خام، که عبارت است از خاطراتی که مصاحبه‌گر بدون هرگونه ویرایشی آن را به چاپ می‌رساند و با اغلاط و ابهامات بسیار همراه است؛ نظیر مجموعه تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد و مجموعه منتشرشده توسط آن دانشگاه.

ب) خاطره شفاهی ویرایشی. در خاطره شفاهی ویرایشی، نویسنده خاطرات شفاهی را ویرایش می‌کند و ادبیات آن را برای خواندن مهیا می‌سازد. «خاطرات سپهد شهید علی صیاد شیرازی»^[۱۷] «جاده‌های سربی»^[۱۸] یا «اسرای جنگی به روایت خاطره»^[۱۹] نمونه‌هایی از این نوع خاطره‌هاست.

ج) خاطرات شفاهی تدوینی، که به خاطراتی گفته می‌شود که نویسنده در آن، به دلیل پراکنده‌گویی خاطره‌گو، و بهبود ساختار خاطرات، مطالب خاطره را به شکلی متفاوت از فرایند خاطره‌گویی و اغلب با هدف تسهیل در خواندن و ایجاد کشش در متن تدوین می‌کند. در این میان، خاطرات سرهنگ شهبازی، تحت عنوان «شب‌های بی‌مهتاب»^[۲۰] از این دسته از آثار حوزه دفاع مقدس است.

د) خاطرات شفاهی تلفیقی. در این نوع خاطره، نویسندگان و مصاحبه‌گران خاطرات متعدد افراد را براساس تقسیم‌بندی موردنظر خویش تلفیق می‌کنند تا موضوع موردنظر آن‌ها به دست آید. کتاب «فرمانده من» دفتر ادبیات و هنر مقاومت مجموعه‌ای از خاطرات متفرق افراد درباره فرماندهان دفاع مقدس بوده است. هر چند این اثر شکل ادبیات خاطره شفاهی را به طور جدی و معمول ندارد، اولین نمونه از ادبیات خاطره‌ای تلفیقی می‌باشد.

«نبردهای شرق کارون، از منظر فرماندهان» منتشر شده زیر نظر مرکز تحقیقات جنگ اثر مهم دیگری است که در حوزه ادبیات خاطره شفاهی تلفیقی قرار می‌گیرد. نمونه جالب دیگر از این آثار، کتاب «دسته یک»^[۲۱] است که نویسنده در آن اعضای یک دسته را یافته و با تک‌تک به مصاحبه نشسته است. البته ادبیات شفاهی تلفیقی در زندگی‌نامه بسیاری از شهدا نیز به کار گرفته شده است. در آثار مختلفی نظیر «زندگی‌نامه شهید باکری»، «فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ» و ... ادبیات خاطره‌ای شفاهی تلفیقی به طور گسترده به کار گرفته شده است، اما از آنجایی که به صورت زندگی‌نامه منتشر می‌گردند کمتر به عنوان ادبیات خاطره‌ای باز تعریف می‌شوند.

نگارنده در تقسیم‌بندی ادبیات تلفیقی دو سبک قائل است که هر دو شیوه و سبک در ایران کاربرد دارد ۱- ادبیات خاطره شفاهی تلفیقی مبتنی بر خاطرات، که در این سبک عموماً از خاطرات شفاهی افراد برای روشن شدن وقایع و مطالب بهره گرفته می‌شود؛ ۲- ادبیات خاطره شفاهی تلفیقی مبتنی بر ترکیب با اسناد، که در این شیوه، خاطره شفاهی افراد مختلف در کنار اسناد بازتعریف می‌شوند؛ شیوه‌ای که در «فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ» به کار رفته و در واقع مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها با اسناد تلفیق شده است. این اسناد، گزارش‌های رسمی سپاه پاسداران، پرونده کارگزینی شهدا، وصیت‌نامه‌ها و دست‌نوشته‌ها و سایر اطلاعات آماری معتبر و حتی در نهایت، گزارش شهادت، شناسنامه و بعضی از تصاویر مربوط به آن‌ها را شامل می‌شود؛ امری که آقای اصغر کاظمی در کتاب «دسته یک» به خوبی از آن بهره گرفته است.

مخلص کلام

«نبرد دفاعی پیروز» و دفاع مقدس مردم ایران توانست موج گسترده‌ای از ادبیات تاریخی تحقیقی اسنادی، و داستانی نقلی را به میدان آورد که در این میانه نقش ادبیات خاطره شفاهی به مراتب گسترده‌تر و عمیق‌تر است و با وجود آنکه هنوز همه فعالیت‌های مربوط به این حوزه به صورت آثار مکتوب درنیامده‌اند، ادبیات خاطره شفاهی در حال تبدیل شدن به وجه غالب ادبیات دفاع مقدس است که باید با دقت و هوشمندی و آسیب‌شناسی این دوره

بسیار مهم تاریخی، تاریخ‌نگاری دفاع مقدس را با موفقیت تدوین کرد و گنج جنگ را به فرآوری بسیار مهم در عرصه انتقال ارزش‌های اسلامی و انقلابی تبدیل کرد.

پی‌نوشت‌ها

* پژوهشگر و مدرس دانشگاه.

- [۱] - از خونین شهر تا خرمشهر، مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- [۲] - محسن صفری، جغرافیای دفاع مقدس، دفتر ادبیات و هنر تعاون، ۱۳۷۴
- [۳] - منوچهر پارسادوست، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹
- [۴] - تحلیل بر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، تهران.
- [۵] - علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶
- [۶] - نسرین مصفا، تجاوز عراق به ایران و موضع‌گیریهای سازمان ملل متحد، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- [۷] - پوراحمدی، دایره‌المعارف جغرافیا، بنیاد حفظ آثار، تهران، ۱۳۸۶
- [۸] - اصغر کاظمی، خرمشهر در اسارت، دفتر ادبیات هنر مقاومت، ۱۳۷۵
- [۹] - اسماعیل منصوری لاریجانی، تاریخ دفاع مقدس، تهران.
- [۱۰] - فتح فاو، مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، تهران.
- [۱۱] - بنی‌لوحی، نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹
- [۱۲] - علامه سیدمحسن امین‌عاملی، بیروت.
- [۱۳] - یعقوب توکلی، فرهنگنامه جاودانه‌های تاریخ، نشر شاهد، ۱۳۸۰
- [۱۴] - جلال محمدی، ستاره بدر، زندگی‌نامه شهید علی تجلایی، ستاد کنگره سرداران شهید استان آذربایجان.

- [۱۵] - غلامرضا صادقزاده، یادداشت‌های سوسنگرد، ۱۳۶۲
- [۱۶] - احمدرضا احدی، حرمان هور، به کوشش علیرضا کمری، دفتر ادبیات هنر مقاومت، ۱۳۷۴
- [۱۷] - محسن مومنی، خاطرات سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰
- [۱۸] - احمد سوداگر جاده‌های سربی، نشر صریر، تهران، ۱۳۸۳
- [۱۹] - مرتضی سرهنگی، اسرای جنگ تحمیلی به روایت خاطره، دفتر ادبیات هنر مقاومت، ۱۳۷۲
- [۲۰] - سرهنگ شهاب‌الدین شهبازی، شب‌های بی‌مهتاب، به کوشش محسن کاظمی، دفتر ادبیات هنر مقاومت، ۱۳۸۲
- [۲۱] - اصغر کاظمی، دسته یک، دفتر ادبیات هنر مقاومت، ۱۳۸۱